

متن پرسش

السلام علیکم استاد عزیز: با نظر به دیدگاه بزرگان نسبت به «عرف خاص یا عام» بودن زبان قرآن عده ای معتقدند زبان قرآن همان زبان مردم عصر نزول است و قائل به «عرف عام» بودن آن هستند و عده ای قائل به «عرف خاص» بودن آن هستند و استنادشان هم به ذوابطن بودن قرآن و محکمت آن است که برای عرف عام قابل تفهم نیست. با این اوصاف: ۱. دیدگاه شما نسبت به زبان قرآن چیست؟ ۲. آیا اصل بحث ثمره ای دارد؟ به این بیان که زبان قرآن زمانی برای عام و زمانی برای خاص است! اما ثمره ای که به نظر می رسد مترتب موضوع شود به منشاء و مبدأ کشف معنی رجوع دارد، به این شکل که: اگر زبان قرآن برای عرف عام است، لاجرم باید منشاء کشف معنای لفظ عرف عام باشد و ما هیچ چاره ای نداریم برای کشف معنا به عرف عام مراجعه کنیم و اما اگر زبان قرآن برای عرف خاص باشد لاجرم باید دائم گوشمان به دهان مبارک معصوم (ع) یا مفسر یا فقیه یا مجتهد باشد تا دلالت لفظ بر معنا را تبیین کند (و درست است که مرجع کشف معنای بدوی و ابتدائی عرف عام عصر نزول یا مطلق عرف عام چه عرب چه عجم است ولی معنا را به حد متعالی خود می رسانند. مانند: فعل امر که عرف عام از او طلب را می فهمد ولی فقیه با تفقه در آن به معنای چون فور و تراخی، مره و تکرار، استحباب و وجوب و... پی می برد، یا مانند معنای لفظ غیبت که حتما باید فقیه معنا کند ولو اینکه اگر به دست عرف دهیم معنی آن را تقلیل می دهند کما اینکه در کتب لغت مشاهده می شود لغوی هم به اعتباری از عرف عام است زیرا کاشف قول عرف عام است. ۳. استاد عزیزم، آیا الفاظ اعتباری اند یا حقیقی؟ و اگر بفرمایید: اعتباری، چگونه لفظ خداوند اعتباری می تواند باشد؟ ۴. و به راستی چقدر این مباحث برای با قرآن زندگی کردن ناظر به بحث اخیر حضرتعالی در تفکر قرآنی ضروری است؟ ببخشید بابت طولانی شدن و گرفته شدن وقتتون خداوند خیر دنیا و آخرت رو نصیبتون بفرمایند

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: الفاظ کلام الله صورت گفتاری حقیقت است و بدین اعتبار به نفس الامر متصل می باشد.

مگر به ما نفرموده اند قرآن حامل عبارت و اشارت و حقایق است. فکر می کنم زبان قرآن زبان فطرت انسانها است و در هر مرتبه ای برای انسانها حرف دارد و هرکس به وسعت خود از قرآن بهره می گیرد لذا هم زبان عام در او هست که عبارت را از آن می توان فهمید و هم زبان خاص در آن هست برای

اهل اشارت و حقيقت. موفق باشيد